

هدفمند کردن یارانه‌ها به رشد صادرات غیرنفتی کمک می‌کند

اشاره:

کاهش اتکاء اقتصاد ملی به درآمدهای ناشی از صادرات نفت و دستیابی به استقلال اقتصادی از آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی است. پس از خاتمه جنگ تحمیلی، در برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، توسعه صادرات غیرنفتی مورد تأکید قرار گرفت و در سومین برنامه توسعه اقتصادی، جهش در صادرات غیرنفتی به عنوان محور اصلی توسعه اقتصادی مورد توجه می‌باشد. دستیابی به جهش در صادرات غیرنفتی، نیازمند اصلاحات اقتصادی در تمام زمینه‌ها است و برای دسترسی به این هدف، حذف انحصارات و رقابتی کردن بخش‌های اقتصادی ضروری است. بهبود بخشیدن به توان رقابت محصولات ایرانی در بازارهای جهانی، با وجود رانتهای اقتصادی و یارانه‌ها که مسیر سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا را منحرف می‌سازد و رانت‌جویی و قاچاق کالا را قوت می‌بخشد، امکان‌پذیر نخواهد شد. با این وصف، یکی از نیازهای اساسی برای تحقق جهش صادراتی، حذف یارانه‌های عمومی برای کالاها و واقعی ساختن قیمت آنها و شناسایی دقیق و صحیح مزیت‌های نسبی و قابل خلق برای تولید و صدور کالاها می‌باشد. در این مقاله به بررسی تأثیر یارانه‌ها در صادرات غیرنفتی و ضرورت هدفمند کردن یارانه‌ها می‌پردازیم.

انجام محاسبات اقتصادی دقیق (برآورد هزینه - فایده) اقدام به سرمایه‌گذاری کرده‌اند و امروزه شاهد هستیم محصولات این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها قابلیت رقابت در بازارهای داخلی و خارجی را ندارند و بخشی از ظرفیت‌های تولیدی نصب شده در سال‌های گذشته بلااستفاده مانده است.

این زیان عظیم موجبات ائتلاف منابع سرمایه‌گذاری کشور را فراهم ساخته است. منابعی که می‌توانست در بخش‌های صادرات‌گرا سرمایه‌گذاری

راستای اصلاح ساختار اقتصادی کشور، نرخ ارز را یکسان کرد. به این معنا که تمام متقاضیان دریافت ارز در بخش‌های مختلف اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی، می‌بایست ارز را به نرخ یکسان دریافت کنند. رانت موجود در نرخ‌های چندگانه ارز در سال‌های گذشته، یکی از دلایل عمده انحراف سرمایه‌گذاری‌ها از بعد توجیه اقتصادی بوده است.

سرمایه‌گذاران برای بهره‌جویی از ارز ارزان‌تر و رقابت‌پذیری بیشتر در بازار برای دریافت ارز یارانه‌ای بدون

بیشتر اقلام کالاهای تولیدی کشور به ارز برای تأمین بخشی از نیازها (مواد اولیه، مواد واسطه و کالاها و تجهیزات سرمایه‌ای) احتیاج دارد. کمتر کالایی را می‌توان یافت که نیاز ارزی برای تولید آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم وجود نداشته باشد. بنابراین منابع ارزی به عنوان یکی از کالاهایی که در تولید دیگر اقلام نقش ضروری دارد، می‌بایست به نرخ واقعی به متقاضی عرضه شود.

خوشبختانه دولت در بودجه سال ۱۳۸۱ به عنوان یک اقدام اساسی در

شود و به جهش در صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی اقتصاد ملی به درآمدهای نفتی، نقش کلیدی ایفا کند.

ارز چندنرخه‌ی، یارانه پنهانی بوده که وجود داشته و برخورداران از آن به نوعی رانت دست یافته‌اند، در حالی که محصولات تولیدی ناشی از این گونه سرمایه‌گذاری‌ها، در بازارهای داخلی و خارجی به قیمت بازار فروش رفته و قدرت رقابت آنها به طور مصنوعی در سطح بالاتری قرار گرفته و ظرفیت‌های تولیدی بدون توجه به بازار واقعی و قدرت رقابت در برخی زمینه‌ها گسترش یافته است.

گذشته از زیان‌های ناشی از نظام چندنرخه‌ی ارز که مصرف بی‌رویه کالاهای برخوردار از ارز ارزان‌تر را نیز سبب شده و اتلاف منابعی که ایجاد کرده است، یارانه‌های پیدا و پنهان نقش کلیدی در انحراف سرمایه‌گذاری‌ها داشته است.

چنانچه یارانه‌ها را به دو بخش یارانه‌های انرژی و کالاهای مصرفی تقسیم کنیم، زیان‌های ناشی از وجود این یارانه‌ها که به طور عمومی توزیع شده و اقشار نیازمند واقعی را هدف قرار نداده است، بیشتر مشخص می‌شود.

وجود قیمت‌های یارانه‌ای برای کالاهای اساسی (گندم، روغن، شکر و...) سبب شده که سرمایه‌گذاری برای تولید این کالاها تحت تأثیر قرار گیرد و با افزایش تقاضا (بر اثر رشد جمعیت و مصرف سرانه بالاتر) نیاز به واردات این گونه اقلام در سال‌های اخیر به شدت بالا رود.

بخش قابل توجهی از گندم مصرفی در کشور (تقریباً نیمی از آن)

در سال‌های اخیر از طریق واردات تأمین شده است، به طوری که ایران به بزرگ‌ترین واردکننده گندم در جهان در سال گذشته تبدیل شد. صرف‌نظر از مسأله خشکسالی در سه سال اخیر که خود جای بحث عمیق‌تر دارد، محصول گندم به لحاظ قیمت غیرواقعی آن در بازار روند نزولی داشته و کشت‌های جایگزین به منظور افزایش درآمد مورد توجه کشاورزان قرار گرفته است.

این در حالی است که بخش قابل توجهی از یارانه‌های پرداختی دولت بابت تأمین کالاهای اساسی غذایی ارزان‌قیمت برای مردم به نان یا به عبارتی به گندم تعلق گرفته است. منابع قابل توجهی از ارز کشور برای واردات گندم و دیگر کالاهای اساسی اختصاص یافته، در حالی که به تعبیر برخی کارشناسان، میزان اتلاف نان تقریباً معادل گندم وارداتی کشور بوده است. اگر قیمت نان واقعی بود، نه تنها مصرف‌کننده به اسراف و اتلاف نان تشویق نمی‌شد، بلکه منابع کافی برای سرمایه‌گذاری برای تولید گندم اختصاص می‌یافت و چه بسا هزینه اجرای طرح‌های زیربنایی شبکه‌های آبیاری و زهکشی و نیز صرفه‌جویی در مصرف آب (آبیاری تحت فشار آبیاری قطره‌ای) تأمین می‌شد. چنین اقدامی می‌توانست میزان خسارات ناشی از خشکسالی را نیز به حداقل برساند و کشاورزان را به طور واقعی مورد حمایت قرار دهد.

در مقابل بارها اخباری در زمینه قاچاق آرد از کشور به کشورهای همسایه شنیده‌ایم که منابع درآمد سرشاری را نصیب قاچاقچیان کرده

است. صدور غیرقانونی کالاهای یارانه‌ای به کشورهای همسایه (آرد، روغن نباتی، فرآورده‌های سوختی و...) موجب می‌شود که اولاً دولت به اهداف اصلی از اختصاص و توزیع یارانه‌ها دست نیابد و ثانیاً عوامل قاچاق روزبه‌روز به گسترش فعالیت غیرقانونی و کسب سودهای سرشار تشویق شوند. به عبارتی خود انگیزه‌های قاچاق کالا را تشویق کرده است.

پرداخت یارانه عمومی برای کالاهای اساسی در واقع رشد سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا و صادرات غیرنفتی را از مسیر اصلی و درست منحرف کرده و در عین حال نتوانست نقش کلیدی در بهبود اساسی بهینه خرید اقشار نیازمند ایفا کند و همواره بخشی از منابع بودجه عمومی را نیز جذب کرده است.

به عقیده کارشناسان حذف یارانه‌های همگانی و واقعی کردن بهای کالای یارانه‌ای به ویژه کالاهای اساسی و توزیع یارانه‌ها میان اقشار نیازمند، منافع اقتصادی سرشاری دربرخواهد داشت. با هدفمند شدن یارانه‌ها، به جای آنکه عموم مردم از یارانه‌ای که شاید بدان نیازی ندارند برخوردار شوند، با سطح پرداخت کنونی بابت یارانه‌ها دولت می‌تواند بنیه خرید اقشار نیازمند واقعی (۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کشور که در دهک‌های اول و سوم درآمدی قرار می‌گیرند) را به طور اساسی افزایش دهد و به فقرزدایی جامه عمل بپوشاند

دولت در سال جاری با یکسان‌سازی نرخ ارز و تقبل افزایش

هزینه‌ها برای توزیع کالاهای پارانه‌ای در سطح سال گذشته نخستین گام را برای شفافیت اقتصادی برداشته است و چنانچه بتواند با ایجاد نظام جامع اطلاعات مربوط به خانوارها، به طور دقیق خانوارهای نیازمند را شناسایی کند، با هدفمند کردن پارانه‌ها و پرداخت پارانه مستقیم به نیازمندان قادر خواهد شد که عدالت اجتماعی و رفاه عمومی را ارتقا بخشد و تأثیر بسزایی از افزایش بسنه خرید اقشار نیازمند بجا گذارد.

با رشد قیمت کالاهای اساسی پارانه‌ای، میزان تولید و خرید از منابع داخلی افزایش خواهد یافت. این اقدام از یک سو تولید کالاهای پارانه‌ای کنونی را تشویق می‌کند و از سوی دیگر به ایجاد اشتغال مولد در جامعه کمک بسزایی خواهد داشت که به نوعی رفتار اجتماعی عدالتجویانه را نشان خواهد داد.

با واقعی شدن بهای کالاهای پارانه‌ای، سطح تولید داخلی این کالاها افزایش می‌یابد و با توزیع هدفمند پارانه‌ها، اقشار آسیب‌پذیر از افزایش بهای کالاهای اساسی در تنگنا قرار نخواهند گرفت.

کارشناسان حذف پارانه کالاهای اساسی همزمان با اعطای پارانه مستقیم به اقشار آسیب‌پذیر را یکی از بخش‌های مهم اصلاحات اقتصادی می‌دانند که به رشد تولید کالاها و نیز توسعه صادرات غیرنفتی به طرق قانونی کمک بسزایی خواهد داشت.

در بخش فرآورده‌های سوختی که مهمترین بخش پارانه‌ها است، محاسبات کارشناسان دلالت بر وجود ۱۱ میلیارد دلار پارانه در بخش انرژی

دارد که عموم مردم به طور یکسان از آن برخوردار نمی‌شوند. این محاسبات نشان می‌دهد که میزان پارانه‌ای که بابت مواد سوختی به اقشار کم درآمد (دهک‌های اول و دوم)، اختصاص می‌یابد، به مراتب کمتر از اقشار مرفه (دهک‌های دهم و نهم) است. وجود این پارانه‌ها سبب شده که مصرف عقلایی فرآورده سوختی در کشور تقریباً به فراموشی سپرده شود و انگیزه قوی برای ارتقای کارایی انرژی از بین برود. در کشورهای صنعتی که هیچ گونه پارانه‌ای برای فرآورده‌های سوختی پرداخت نمی‌شود، تحقیقات برای ارتقای کارایی انرژی و کاهش مصرف سوخت به سرعت گسترش یافته و مصرف این گونه فرآورده‌ها عقلایی شده است. اغلب این کشورها که از مصرف‌کنندگان عمده نفت هستند و منابع و ذخایر نفتی درخور توجهی ندارند، مالیات سنگینی از فرآورده‌های سوختی دریافت می‌کنند. میزان درآمد دولت از بابت فرآوری و پالایش فرآورده‌های نفتی از یک بشکه نفت خام حدود ۹۰ تا ۱۱۰ دلار است، در حالی که دولت ایران بابت صدور نفت خام درآمدی کمتر از ۲۰ دلار به دست می‌آورد. این امر نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی ۵ برابر کشورهای تولیدکننده نفت از نفت خام وارداتی و پالایش آن درآمد (به صورت مالیات) کسب می‌کنند که می‌تواند برای تامین هزینه امور اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

در این کشورها سرمایه‌گذاری برای ارتقای کارایی انرژی از سوی بخش خصوصی به سرعت افزایش یافته و ساخت تجهیزات و کالاهایی

که انرژی کمتری مصرف می‌کنند، تشویق شده و گسترش یافته است. در واقع نبود پارانه در بخش انرژی به رشد تحقیق و فناوری در این کشورها کمک بسزایی کرده است.

دولت در سال جاری برای نخستین بار اقدام به واقعی کردن قیمت برخی فرآورده‌های نفتی (به قیمت منطقه‌ای - فوب خلیج فارس) کرده است. در ابتدای سال اعتراض‌های گوناگونی نسبت به افزایش بهای این کالاها صورت گرفت و این اعتراض‌ها حتی از سوی برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز مطرح شد که جای تعجب داشت، زیرا این افزایش قیمت در قالب قانون بودجه سال ۱۳۸۱ تصویب شده بود.

مهندس محمد آقایی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در گفت‌وگو با خبرنگار جمهوری اسلامی پیرامون حذف پارانه فرآورده‌های نفتی ویژه در سال جاری گفت: در پی افزایش بهای فرآورده‌های نفتی ویژه از ابتدای سال جاری، تمهیدات لازم برای پرداخت مابه‌التفاوت این افزایش قیمت به بخش‌های دولتی و خصوصی اندیشیده شد. این تمهیدات شامل پرداخت مابه‌التفاوت افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی ویژه (به طور خاص قیر و سوخت هواپیما) می‌باشد تا در فعالیت بخش‌های دولتی و خصوصی وقفه ایجاد نشود.

به گفته وی، طبق قانون افزایش قیمت فرآورده‌ها تا سطح قیمت‌های جهانی، حفظ و صیانت از سرمایه‌های ملی و صرفه و صلاح کشور را به

خوبی مد نظر داشته است. در نخستین سال این حرکت، سعی شده است با رعایت حداکثر صرفه و صلاح، درآمدی که از این ماده قانونی کسب می‌شود، فقط در حد اجرا و پرداخت تکالیف قانونی باشد.

وی خاطر نشان کرد، اگر قیمت تمام فرآورده‌های نفتی ویژه که در هشت گروه گاز مایع، سوخت‌های هوایی، خوراک ال.ای.بی، حلال‌ها، روان‌کننده‌ها (شامل انواع روغن) قیرها، پارافین، واکس‌ها و سایر موارد تقسیم‌بندی می‌شود بر اساس قیمت‌های منطقی‌ای (نسوب خلیج فارس) محاسبه و اعمال می‌شود، افزایش درآمدی بالغ بر ۷۴۱ میلیون تومان نسبت به سقف پایه (۱۶۰ میلیارد تومان) حاصل می‌شود.

به گفته وی، مابه‌التفاوت افزایش درآمد به نرخ منطقی‌ای (۷۴۱/۱۶۷) میلیارد ریال) با افزایش درآمد به نرخ مصوب (۲۸۱۲/۰۳ میلیارد ریال) برای سال جاری ۴۶۰۴ میلیارد ریال است.

به گفته وی، افزایش درآمد ۲۸۱۲ میلیارد ریالی در سال جاری به طور عمده از افزایش قیمت سه قلم فرآورده شامل سوخت هواپیما، قیر و روغن حاصل می‌شود. افزایش درآمد ناشی از فروش سوخت هواپیما و قیر که بهای آنها تا سطح قیمت‌های منطقه‌ای افزایش یافته، به ترتیب ۴۶۵۶۵ و ۲۰۶۷/۱۱ میلیارد ریال است.

وی در خصوص تمهیدات اندیشیده شده برای پرداخت مابه‌التفاوت قیمت سوخت هواپیما به وزارت راه و ترابری اظهار داشت: بر اساس بند (ن) تبصره ۱۲ قانون بودجه

سال ۱۳۸۱، وزارت نفت مکلف است از محل درآمد حاصل از اجرای ماده ۷۱ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت تا مبلغ ۱۵۰۰ میلیارد ریال به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز کند. از این مبلغ تا سقف ۸۰۰ میلیارد ریال بابت یارانه حمل و نقل هوایی و قیر جاده‌ها به وزارت راه و ترابری و دستگاه‌های تابعه آن اختصاص می‌یابد. سهم یارانه شرکت‌های هوایی غیردولتی نیز از طریق سازمان هوایی کشوری به آنها پرداخت خواهد شد.

۴۶۵ میلیارد ریال از یارانه حمل و نقل هوایی و قیر مورد مصرف در جاده‌ها بابت یارانه سوخت هواپیما (مابه‌التفاوت قیمت هر لیتر ۵۰۰ ریال تا ۱۲۰۰ ریال) به وزارت راه و ترابری پرداخت می‌شود تا در اثر افزایش قیمت سوخت، قیمت بلیط هواپیما افزایش نیابد.

آقای در خصوص پرداخت این یارانه‌ها به وزارت راه و ترابری با اشاره به تفاهم به عمل آمده با این وزارتخانه گفت: سوخت هواپیما و قیر به صورت اعتباری (غیر نقدی) تحویل می‌شود. پرداخت مابه‌التفاوت افزایش قیمت سوخت هواپیما در ۱۲ قسط و برای قیر هر سه ماه یک بار واریز خواهد شد.

وی خاطر نشان کرد: در خصوص تأمین قیر احداث و اصلاح جاده‌های روستایی نیز تفاهمی با وزارت جهاد کشاورزی صورت گرفته و قیر مورد نیاز به صورت اعتباری در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار می‌گیرد.

آقای در خصوص تأمین قیر مورد نیاز شهرداری‌ها نیز گفت: شرکت

ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی مکلف است طبق قانون ۲۰۰ میلیارد ریال بابت مابه‌التفاوت قیمت قیر به وزارت کشور پرداخت کند که شهرداری‌ها بتوانند فعالیت مرمت و احداث جاده‌ها را انجام دهند.

وی در خصوص وضعیت کامیون‌دارانی که قیر جابه‌جا می‌کنند، گفت: شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی به این گروه اعلام کرده است، در صورتی که با کمبود کار مواجه شوند، می‌توانند با این شرکت برای جابه‌جایی قیر مورد نیاز بخش دولتی یا رساندن قیر و نفت کوره به میادی صادراتی این دو فرآورده، همکاری کنند.

مهندس آقای تصریح کرد: اختلاف فاحش نرخ داخلی قیر با نرخ‌های بین‌المللی آن و رونق بازار جذب آن به ویژه در کشورهای همسایه، سهولت ذخیره‌سازی و انتقال و نیز فقدان کنترل کافی در مرزهای کشور به ویژه مرزهای شرقی، وسوسه خروج و صادرات غیرقانونی این ماده را فراهم کرده بود.

قیمت هر تن قیر در پایان سال ۱۳۷۸ برابر با هفتاد هزار ریال و در سال گذشته ۸۵ هزار ریال بود، در حالی که قیمت خرده‌فروشی آن در سال ۱۳۸۰ حدود ۵۰۰ هزار ریال بود. اما در سطح منطقه قیمت قیر در سال ۱۳۷۸ حدود ۴۵۰ هزار ریال برای هر تن (یا ۵۵ دلار) بود که در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به سطح بیش از ۱۰۰ دلار رسید و همین امر طمع قاچاق را به شدت بالا برد.

به گفته مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، با

توجه به نرخ رشد ۲۰۰ درصدی صادرات قیر در فروردین ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل، امکان تحقق رشد ۵۰ درصدی صادرات این ماده در سال جاری وجود دارد و صادرات قیر ایران در سال ۱۳۸۱ بالغ بر ۹۰۰ هزار تن به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار خواهد شد.

وی افزود: اگر نرخ رشد مصرف داخلی قیر در سال گذشته را مشابه میانگین نرخ رشد مصرف آن در سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ به میزان ۰/۸ درصد فرض کنیم، میزان مصرف واقعی قیر در سال گذشته به رقمی حدود ۲۱۹۱۲۹۱ تن می‌رسد. در حالی که میزان فروش قیر در سال گذشته ۲۵۲۳۸۶۸ تن بود. با وجود نرخ رشد فزاینده مصرف قیر در سال گذشته، مشاهده می‌شود که در فعالیت‌های بخش‌های مصرف‌کننده در داخل کشور، رشد قابل توجهی دیده نمی‌شود.

آقایی گفت: می‌توان نتیجه گرفت که حداقل ۳۳۲۵۷۷ تن مابه‌التفاوت این ارقام به طرق مختلف از مرزهای کشور خارج شده که ارزش آن با نرخ هر تن ۱۱۰ دلار بالغ بر ۳۷۵ میلیون دلار است.

به عقیده کارشناسان نرخ یارانه‌ای (غیرواقعی) فرآورده‌های نفتی در کشور مهمترین عامل قاچاق این مواد به کشورهای همسایه است، زیرا در این کشور نرخ‌های منطقه‌ای معیار تبادل مواد می‌باشد و قاچاقچیان از طریق صدور غیرقانونی فرآورده‌های نفتی به سودهای کلانی دست می‌یابند.

کارشناسان عقیده دارند که با واقعی کردن بهای فرآورده‌های نفتی و

حذف یارانه آنها، درآمد سرشاری نصیب دولت خواهد شد که می‌تواند در عمران و آبادانی کشور، دستگیری از مستمندان و هدفمند کردن توزیع یارانه‌ها مورد استفاد قرار می‌گیرد.

به عقیده کارشناسان، بهترین اثر حذف یارانه‌های انرژی در مصرف عقلایی آنها قابل مشاهده خواهد بود و از سوی دیگر مصرف‌کنندگان کالاهای انرژی‌پر تولیدکنندگان را برای ارتقای کیفیت محصولات جهت کاهش مصرف انرژی تحت فشار قرار خواهند داد. کاهش تقاضا برای کالاهایی که انرژی یا فرآورده نفتی زیادی مصرف می‌کنند، مهمترین ابزار برای هدایت تولیدکنندگان به سوی استفاده از دانش فنی و فناوری روز جهت ارتقای کارایی انرژی خواهد بود.

در همین حال کارشناسان عقیده دارند که با حذف یارانه انرژی و مواد سوختی صادرات غیرنفتی به طور مستقیم و غیرمستقیم تشویق خواهد شد. از یک سو صدور قانونی فرآورده‌های نفتی ویژه درآمد ارزی بالاتری را نصیب اقتصاد کشور خواهد کرد و مبارزه جدی و واقعی با قاچاق این مواد محقق خواهد شد. از سوی دیگر انگیزه تولید کالاهایی که انرژی کمتری مصرف می‌کنند، سرمایه‌گذاری برای تولید کالاهای با فناوری پیشرفته را تشویق خواهد کرد که در نهایت ارتقای کیفیت و رشد صادرات غیرنفتی را به دنبال خواهد داشت.

کارشناسان عقیده دارند که دولت در سال آینده می‌بایست با اتخاذ تمهیدات لازم برای جلوگیری از رکود

فعالیت‌های اقتصادی کشور، موضوع واقعی کردن قیمت فرآورده‌های نفتی ویژه را دنبال کند و سبب این فرآورده‌ها را گسترش دهد. این امر نه تنها از اتلاف منابع و سرمایه‌های ملی جلوگیری خواهد کرد، بلکه به رشد صادرات قانونی این فرآورده‌ها و عقلایی شدن مصرف فرآورده‌های نفتی در کشور کمک بسزایی خواهد داشت. در نهایت صرفه و صلاح کشور به خوبی لحاظ خواهد شد.

به عقیده برخی کارشناسان، اصلاح ساختار اقتصادی کشور و جهش در صادرات غیرنفتی با وجود قیمت‌های غیرواقعی و یارانه‌ای صورت نخواهد گرفت و رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی به طور کامل محقق نمی‌شود.

بنابراین به منظور ایجاد جهش در صادرات غیرنفتی، اصلاح قیمت‌ها ضروری است، اما در کنار آن هدفمند کردن یارانه‌ها و پرداخت یارانه مستقیم به خانوارهای آسیب‌پذیر به سهولت می‌تواند مانع از کاهش قدرت خرید آنها شود. در همین حال پرداخت یارانه مستقیم از بی‌عدالتی در استفاده از یارانه‌ها جلوگیری می‌کند و اقشار آسیب‌پذیر با افزایش قدرت خرید، امکان انتخاب سید کالایی موردنیاز خود و افزایش مطلوبیت نهایی را خواهند یافت. دولت نیز با افزایش درآمد قادر به انجام برنامه‌های فقرزدایی خواهد شد.

